



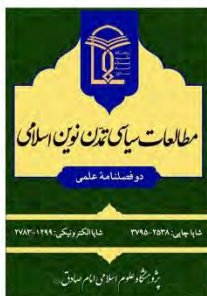
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

Website: <http://ijsr.iisri.ac.ir>

Volume : 5 ; Number : 9



Studying the Non-Structural Components of Government Jurisprudence in Islamic Civilization with Consideration to Ayatollah Khamenei's Intellectual System

Hamidreza Moniri*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.502014.1163>

Received: 2025/01/26 - Accepted: 2025/04/16

Article Type: Research Article

(273-296)

Abstract

Attention to knowledge has always been one of the fundamental concerns of human life. Humanity has endeavored to attain knowledge in order to secure greater welfare and comfort. Societies that have pursued knowledge have been able to establish grounds for superiority in various fields. Thinkers of the Islamic world have sought to explore the significance of knowledge and Islam's emphasis on its foundations. The present study seeks to examine Ayatollah Khamenei's thought—as a thinker and leader of the Islamic system—on the notion of knowledge, particularly “beneficial knowledge,” and its impact on the emergence and development of new Islamic civilization. The research employs a thematic analysis method. The author's central question is: What are the defining characteristics of beneficial knowledge in Ayatollah Khamenei's perspective, and what role and position does this knowledge occupy in the process of civilizational emergence? The findings indicate that, in Ayatollah Khamenei's intellectual framework, knowledge is commendable only when it contributes to human and societal prosperity—both materially and spiritually—guides humanity toward divine orientation, and fulfills essential human needs. Beneficial knowledge is thus characterized by features such as addressing fundamental human needs, ensuring material and spiritual well-being, being practical and applicable, not conflicting with religion, and being pursued with sincerity.

Keywords: Beneficial Knowledge, Islamic Civilization, New Islamic Civilization, Ayatollah Khamenei.

* Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, h.moniri@umz.ac.ir.



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1399

نشانی پانگه: تهران، ایران

سال پنجم، شماره نهم



* دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، h.moniri@umz.ac.ir

مؤلفه‌های غیرساختاری فقه حکومتی در تمدن‌سازی اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دامپله

حمیدرضا منیری*

Doi: <https://doi.org/10.22034/redir.2025.502014.1163>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷

نوع مقاله: پژوهشی

(۲۷۳-۲۹۶)

چکیده

بررسی مؤلفه‌های ساختاری و غیرساختاری تمدن‌سازی اسلامی از مسائل محوری منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای دامپله است. بر این مبنا، برای شناخت مؤلفه‌های غیرساختاری فقه حکومتی (که با فقه سیاسی و فقه حکومت مساوق نیست) به طرح این سؤال اصلی پرداخته شده که در راستای اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دامپله مهم‌ترین مؤلفه‌های غیرساختاری فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی اسلامی چه مواردی است؟ این پژوهش با روش تحلیل سیستمی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شرایط استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی عبارت‌اند از شرایط علی؛ تحقق رویکرد منظومه‌ای به فقه، مراعات مصلحت، زمان و مکان در فرایند استنباط و رعایت غایات شارع در متن جامعه در استنباط احکام. شرایط زمینه‌ای ایجاد و سازمان‌دهی افراد و گروه‌های تحقق‌بخش فقه حکومتی است. راهبردها تسهیل فرایند شهروندی در استنباط احکام (کارآمدی) و تبدیل احکام فقهی به قوانین الزام‌آور است. پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی برآورده کردن نیازهای جامعه، تحقق عملی جامعیت دین، بهره‌گرفتن از همه ابواب فقه و تعمیم جغرافیای مخاطبان است.

واژگان کلیدی: فقه حکومتی، تمدن‌سازی اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای دامپله.

مقدمه

تمدن‌سازی اسلامی از اهداف عالیه و همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری^۱ است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۲/۲۷)؛ زیرا شریعت اسلام به توسعه، تحول دنیا و توسعه و تمدن توجه ویژه‌ای دارد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۱: ۴۷۱). پرداختن به مباحث تمدن‌سازی اسلامی از این جهت حائز اهمیت است که در جهان‌بینی اسلامی دو رکن اساسی انسان‌سازی و تمدن‌سازی جهت رسیدن به اهداف متعالی الهی جایگاه بی بدیل دارد (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸: ۳۳۰). از سوی دیگر، ظرفیت عظیم فقه اسلامی، به‌ویژه ظرفیت بکر و قابل استفاده فقه حکومتی، یکی از عوامل تمدن‌سازی اسلامی است. مقام معظم رهبری بارها در بیاناتشان بر بهره‌گرفتن از ظرفیت عظیم فقه حکومتی تأکید داشته‌اند، بدین صورت که لازم است در قم درس‌های خارج استدلالی قوی‌ای مخصوص فقه حکومتی وجود داشته باشد تا مسائل جدید حکومتی و چالش‌هایی که بر سر راه حکومت قرار می‌گیرد و مسائل جدید از لحاظ فقهی بررسی و تبیین شوند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۶/۱۷). رسالت فقه تمدنی امتداد احکام اجتماعی اسلام با هدف بسترسازی برای تمدن اسلامی است و برای نیل به این هدف از مقاصد و اهداف و اغراض شریعت در جهت تأمین مصالح اجتماعی و تمدنی استفاده می‌کند (محمدیان و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۱).

برای دستیابی به آرمان بلند ایجاد تمدن‌سازی اسلامی، باید نقش فقه حکومتی مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (رحمه‌الله) در فرایند تمدن‌سازی اسلامی را به‌درستی شناخت و مسیر را براساس آن تعیین کرد.

نکته مهم در مسیر بهره‌گرفتن از ظرفیت عظیم فقه حکومتی در تمدن‌سازی اسلامی این است که فقه حکومتی دارای مؤلفه‌های ساختاری و غیرساختاری است. عوامل ساختاری همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی غیرانسانی سازمان‌اند که با نظم و قاعده خاصی چهارچوب و قالب سازمان را می‌سازند (یداللهی فارسی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷) و مؤلفه‌های

۱. بیانات ایشان در تارنمای پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (KHAMENEI.IR) در بخش جستارها ۹۲ سخنرانی با محوریت «تمدن‌سازی» است که نشان از اهمیت آن دارد.

غیرساختاری فقه حکومتی برای تمدن‌سازی اسلامی ظرفیت‌هایی در فقه حکومتی است که به‌عنوان مؤلفه‌های نرم‌افزار در راستای تحقق تمدن اسلامی می‌توانند مؤثر باشند. ادعای این پژوهش این است که فقه حکومتی یکی از عوامل مهم نرم‌افزاری تحقق تمدن‌سازی اسلامی است. از آنجاکه بدون فهم مؤلفه‌های غیرساختاری فقه حکومتی در اندیشه مقام معظم رهبری و بهره‌گرفتن از آن‌ها هیچ‌گونه موفقیتی در فرایند تمدن‌سازی اسلامی متصور نیست، مسئله اصلی پژوهش بررسی مؤلفه‌های غیرساختاری فقه حکومتی در تمدن‌سازی اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری است.

۱. پیشینه پژوهش

موضوع مطالعه فقه حکومتی و تمدن‌سازی اسلامی به‌صورت منفک یا بعضاً باهم از موضوعات موردتوجه محققان بسیاری بوده است. در یک محور، نویسندگانی سعی کردند صرفاً ویژگی‌های فقه حکومتی و تفاوت‌های آن را با فقه سیاسی بررسی کنند، همانند مقاله ایزدهی و صدیق تقی‌زاده (۱۳۹۹) با عنوان «ماهیت و ویژگی‌های فقه حکومتی» و مقاله پرور (۱۳۹۰) با عنوان «فقه حکومتی؛ چرایی، چیستی و چگونگی در باب ماهیت، ضرورت و روش فقه سیاسی با تأکید بر نظریات سیدمنیرالدین حسینی هاشمی»، همچنین مقاله لک‌زایی (۱۳۸۹) با عنوان «مسائل فقه سیاسی» و مقاله واسطی و گلکار (۱۳۹۸) با عنوان «فقه حکومتی، چیستی، چرایی و چگونگی (مبانی بر نظریه اجتهاد سیستمی)». در این محور، نویسندگان تنها به چیستی فقه حکومتی و بررسی ابزارهای اصلی برای فهم گزاره‌های دینی در فقه حکومتی و مسائل فقه سیاسی در نظام سیاسی، که یکی از حوزه‌های فقه، و اساساً موضوع آن با این تحقیق متفاوت است، پرداخته‌اند.

در یک محور دیگر، مقالاتی به نقش فقه حکومتی در تمدن‌سازی (بدون توجه به مؤلفه‌های ساختاری یا غیرساختاری فقه حکومتی) پرداخته‌اند، همانند مقاله خاتمی و دهقان (۱۴۰۱) با عنوان «نقش نرم‌افزاری ولایت فقیه و فقه حکومتی در ایجاد تمدن نوین اسلامی» و مقاله حسنلو (۱۴۰۰) با عنوان «جایگاه فقه حکومتی؛ اهمیت و ضرورت توجه به آن در تمدن نوین اسلامی» و مقاله خسروی و طاهری (۱۴۰۲) با عنوان «نقش رویکردهای فقه

حکومتی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی» و مقاله سعدی (۱۳۹۴) با عنوان «فقه و تمدن‌سازی (ولایت فقیه و مدینه انتظار)» و همچنین مقاله باستانی‌فر (۱۳۹۸) با عنوان «فقه حکومتی حلقه گم‌شده سند تمدن اسلامی-ایرانی پیشرفت».

در محور دیگر، نویسندگانی تلاش کرده‌اند مؤلفه‌های تمدن‌ساز را در فقه از منظر مقام معظم رهبری بررسی کنند و حال آنکه به فقه حکومتی که محور اصلی این مقاله است وارد نشده‌اند، همانند مقاله محمدیان و کشاورزی ولدانی (۱۴۰۲) با عنوان «تحلیل مؤلفه‌ها و مصادیق فقه تمدن‌ساز در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (عج)».

براین اساس، می‌توان گفت این پژوهش درواقع در ادامه منظومه سیر مطالعات گذشته است، با این تفاوت که ارتباط مؤلفه‌های غیرساختاری فقه حکومتی با تمدن‌سازی را در منظومه فکری مقام معظم رهبری بررسی کرده است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

این پژوهش برای بررسی مؤلفه‌های تمدن‌سازی فقه حکومتی نیازمند تبیین این مفاهیم است:

۲-۱. تمدن‌سازی اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای (عج)

آیت‌الله خامنه‌ای (عج) دارای یک منظومه فکری و مهندسی کلان‌اند. با بررسی مجموعه مکتوبات، منشورات، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای (عج)، می‌توان هندسه و منظومه فکری معرفتی ایشان را به دست آورد. منظومه فکری ایشان بیانگر گفتمان و جریان فکری-فرهنگی ویژه‌ای است که هم ادامه دهنده گفتمان فکری علمای گذشته، همچون صاحب جواهر و سیدعبدالحسین لاری، و استمراربخش گفتمان امام خمینی (ره) است و هم با رویکرد اجتهادی به مسائل معاصر می‌پردازد و از جریان‌ها و گفتمان‌های معاصر همچون جریان سنتی بی‌توجه به دغدغه‌های انسان معاصر، جریان روشن‌فکری غرب‌زده و شرق‌زده، جریان روشن‌فکری دینی التقاطی، جریان تجدیدستیزی و سنت‌گرایی، و جریان اخباری نوین و ضدعقلانی متمایز است (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۱۲-۱۳). ایشان در این زمینه قائل‌اند که نظام اسلامی دارای مبانی است و آرمان‌هایی را دنبال می‌کند و اینکه براساس این مبانی و

آرمان‌ها، وظایفی برای مسئولان حکومت اسلامی، روشن‌فکران و علما وجود دارد. ایشان پنج مبنا را به عنوان اصول اساسی اندیشه اسلامی طرح و تبیین می‌کنند که عبارت‌اند از: ۱. اینکه همه اندیشه‌های اسلامی براساس توحید است؛ ۲. اینکه انسان و جایگاه ویژه انسان در نظام خلقت براساس تکریم است؛ ۳. اینکه حیات انسان پس از مرگ تداوم دارد؛ ۴. اینکه انسان دارای استعدادهای بی‌انتهاست و چون خدا بی‌انتهاست، رشد انسان هم بی‌انتهاست. از این‌رو، انسان برای یک سیر بی‌نهایت آفریده شده است؛ ۵. اینکه عالم دارد به سمت حاکمیت حق و صلاح غلبه حق بر باطل حرکت می‌کند. گرچه فراز و فرودهایی در کار بوده، روند کلی همیشه به سمت غلبه حق بر باطل است.

ایشان روند تکاملی انقلاب اسلامی را به پنج مرحله تقسیم فرمودند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۹/۱۲). این سیر منطقی همان «فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی» است و تا یکی از مراحل اتفاق نیفتد و محقق نشود، مرحله بالاتر امکان تحقق ندارد. اولین مرحله از فرایند تحقق اهداف اسلامی مرحله «انقلاب اسلامی» است. این مرحله در سال ۵۷ محقق شد. مرحله بعد «نظام اسلامی» است. این مرحله در سال ۵۸ با تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی محقق شد. مرحله بعد ساخت «دولت مطلوب اسلامی» است که هم‌اکنون در این مرحله هستیم. ایشان تصریح می‌کنند که هنوز محقق نشده است و در مرحله دولت اسلامی متوقف شده‌ایم. به شرط عبور موفقیت‌آمیز از این مرحله، وارد مرحله «جامعه نمونه اسلامی» می‌شویم. در نهایت، به بنای شامخ «تمدن نوین اسلامی» نیز دست خواهیم یافت (همان، ۱۳۸۳/۸/۶). بنابراین، به عقیده ایشان، مهم‌ترین هدف تمدن‌سازی اسلامی است. البته گفتنی است فرایند تمدن‌سازی اسلامی فرایند طولانی و البته دشواری است که نظام اسلامی به طور نسبی به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آن اهداف بسیار طولانی است (همان، ۱۳۸۰/۹/۲۱)؛ زیرا با تحقق تمدن اسلامی، در حاکمیت اسلامی توأمان علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت مقابله با امواج جهانی و ثروت که همان تمدن نوین اسلامی است وجود خواهد داشت (همان، ۱۳۹۴/۸/۲۰).

از این‌رو، می‌توان گفت از منظر ایشان، سیر منطقی نظام اسلامی بنای شامخ «تمدن

نوین اسلامی» براساس معارف اهل بیت (ع)، شناخت وظایف شخصی و فردی، وظایف خانوادگی، وظایف اجتماعی و نهایتاً اداره کشور و تمدن‌سازی است. به عبارت دیگر، مهم‌ترین هدف تمدن‌سازی اسلامی، ساخت همه‌جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را در سطح کلان پوشش می‌دهد (همان، ۱۴۰۱/۶/۱۲). تمدن‌سازی در این راستا، ایجاد تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام بنا می‌شود (جان‌احمدی، ۱۳۹۳: ۵۲). بنابراین، مراد از تمدن‌سازی اسلامی در منظومه فکری ایشان -که بر اساس نگرش توحیدی است- تمدنی ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی است که جامعه را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد.

۲-۲. مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی

به‌طور کلی، مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از مؤلفه‌های ساختاری و مؤلفه‌های غیرساختاری.

مؤلفه‌های ساختاری: اهداف مقدماتی و متوسط انقلاب یعنی نظام‌سازی اسلامی، دولت‌سازی اسلامی و جامعه‌سازی اسلامی مؤلفه‌های ساختار ساز تمدن‌سازی اسلامی است. به عبارت دیگر، مفهوم ساختار به‌طور کلی به الگو یا سازمان‌دهی اجزای مرتبط در یک سیستم اشاره دارد. بنابراین، مراد از مؤلفه ساختاری تمدن اسلامی عوامل و مؤلفه‌هایی‌اند که از حیث فیزیکی تمدن اسلامی را شکل می‌دهند. پس، وقتی دولت‌سازی می‌شود و به تبع آن جامعه‌ای براساس مرام آن دولت ساخته می‌شود، اصطلاحاً ساختار تمدنی شکل گرفته است.

همه مؤلفه‌های ساختاری در مراحل گوناگون تمدن‌سازی اسلامی وجود دارند و این‌طور نیست که يك مرحله شروع شود و پایان یابد و سپس مرحله بعدی آغاز شود؛ بدین معنا که اول نظام‌سازی اسلامی محقق شود، سپس دولت‌سازی و نهایتاً جامعه‌سازی اسلامی اتفاق بیفتد، بلکه تمدن‌سازی اسلامی با وقوع انقلاب اسلامی در تمام مراحل آن آغاز می‌شود و مؤلفه‌های مختلف ساختاری تمدن‌سازی اسلامی به‌صورت زنجیره‌ای پیوسته در تعامل با

یکدیگرند و از هم جدا نیستند، ولی مراحل مختلف نیاز به تثبیت و تکمیل دارند تا به تدریج ساختار تمدن نوین اسلامی مستحکم شود. از طرفی، تحقق عینی مؤلفه های ساختاری تمدن سازی اسلامی نسبی است؛ یعنی اگر جامعه اسلام خواه نباشد، هیچ یک از مؤلفه های ساختاری تمدن سازی اسلامی، مانند تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی، برای تحقق تمدن نوین اسلامی محقق نخواهد شد (پیروزمند و خورشیدی، ۱۳۹۸: ۳۴۸-۳۴۹).

مؤلفه های غیرساختاری: مراد از عوامل غیرساختاری تمدن اسلامی مؤلفه ها و عوامل انسانی و نرمی اند که در راستای تحقق تمدن اسلامی می توانند مؤثر باشند. ادعای این پژوهش این است که فقه حکومتی یکی از عوامل مهم نرم افزاری تحقق تمدن اسلامی است.^۱ با بررسی اجمالی آثار و بیانات مقام معظم رهبری، معلوم می شود که فقه جایگاه بس ارزشمندی دارد (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۰/۶/۱۷)؛ زیرا فقه یکی از علوم محوری است که اهمیت بسیاری در تمدن سازی اسلامی دارد که در طول تاریخ اسلام، به عنوان عامل و ابزار اصلی در تمدن سازی از آن بهره برداری شده است. بنابراین، فقه، با ارائه نظریاتی در بعد کلان انسان، جامعه و جهان، اصلی ترین علم دینی است که توان شکل دادن تمدن را دارد (میرمحمدی، ۱۳۹۹: ۱۳۶). در مجموع، می توان نتیجه گرفت که تحقق اهداف بزرگ، مثل تمدن سازی اسلامی در جهان معاصر، نیازمند نرم افزاری متناسب برای آن است و فقه حکومتی برترین و بهترین نرم افزار توسعه انقلاب در ایجاد تمدن اسلامی در جهان است (مشکانی و مشکانی، ۱۳۹۲: ۹۷-۱۱۸).

۳-۲. نگاه کلان مقام معظم رهبری به فقه: فقه سیاسی، فقه حکومت یا فقه حکومتی

با حفظ مطالب بیان شده، به نظر می رسد هندسه و منظومه فکری مقام معظم رهبری در بحث «فقه حکومتی» متبلور شده که در واقع، دربرگیرنده مبنای مکتب فکری ایشان درباره

1. Causal conditions.

به عبارت دیگر مراد از مؤلفه های غیرساختاری عوامل نرم افزاری اند؛ یعنی چه امکانات غیرساختاری در این زمینه وجود دارد، که در این پژوهش ادعا شده فقه حکومتی از امکانات مهم نرم افزاری تمدن سازی اسلامی است.

تمدن اسلامی است. براین اساس، ابتدا باید تبیین شود که فقه در منظومه فکری ایشان از سنخ فقه سیاسی، فقه حکومت یا فقه حکومتی است، سپس تبیین شود ارتباط فقه سیاسی و فقه حکومت با فقه حکومتی چیست. با بررسی در گرایش‌های مرتبط با فقه، مشخص می‌شود سنخ فقه سیاسی و فقه حکومت با سنخ فقه حکومتی متفاوت است. پس، فقه حکومتی هم با فقه سیاسی مساوق نیست (مهریزی، ۱۳۷۶: ۱۴۱-۱۴۲) و هم مساوق با فقه حکومت نیست (ایزدهی، ۱۳۹۹: ۱۲). اصطلاح «فقه سیاسی»، به عنوان واژه‌ای نوپدید در عرصه فقه، مشتمل بر مجموعه‌ای از مباحث فقهی است که با رفتار سیاسی و دانش سیاست مرتبط است و تکالیف شرعی زندگی سیاسی مؤمنان، بلکه شهروندان را تعیین کرده و آیین اداره مطلوب را براساس منابع و ادله معتبر شرعی تبیین و توصیه کرده است (همو، ۱۳۹۴: ۱۵۴)، درحالی‌که در فقه حکومتی صرفاً موضوعاتی از مسائل حکومت هدف فقیه نیست، بلکه فقیه با توجه به حاکمیت سیاسی اسلام در همه ابعاد زندگی افراد جامعه تلاش دارد پاسخ به نیازهای حکومت اسلامی را از منابع چهارگانه دین استنباط کند. در فقه حکومتی، افراد جامعه به عنوان افراد و اجزای حکومت اسلامی یک نهاد کل محسوب می‌شوند که جدای از حکومت نیستند. پس، فقه حکومتی نه به عنوان بخشی از فقه، بلکه به معنای نگرش حاکم بر کل فقه است و استنباط‌های فقهی می‌باید براساس فقه اداره نظام سیاسی باشند و تمام ابواب فقه ناظر به اداره کشور باشد. گستره‌ای که در فقه حکومتی درباره اش بحث می‌شود، نه مباحث سیاسی، بلکه تمام ابواب و مسائل فقه خواهد بود؛ زیرا حکومت شئون و زوایای مختلفی دارد و فقیه می‌باید همه آن مسائل را بنابر رفع نیازهای حکومت بررسی کند (همان: ۱۶۰). بنابراین، فقه حکومتی روش و رویکردی در مقابل فقه فردمحور به‌شمار می‌رود و وصفی عام و حاکم بر تمام ابواب فقه است؛ بدین معنا که فقیه، در مقام استنباط احکام شرعی، اجرای احکام در بستر نظام حکومتی اسلامی را به عنوان نهاد اداره جامعه مد نظر قرار می‌دهد (ذوالفقاری و سیدیان، ۱۳۹۱: ۴۹).

از سوی دیگر، برخلاف فقه حکومت، فقه حکومتی مشتمل بر همه عرصه‌های حیات انسانی، مثل اقتصاد، سیاست، فرهنگ و عبادات، با رویکرد کلان حکومتی است و لذا

اختصاصی به مباحث حکومت ندارد، بلکه به مباحث سیاست نیز محدود نمی‌شود، اما فقه حکومت به مباحث مورد ابتلا در خصوص حکومت، مانند مشروعیت حکومت، ساختار حکومت، شکل حکومت، مسائل و موضوعات حکومت، اختصاص دارد (ایزدهی، ۱۳۹۹: ۱۲). بنابراین، فقه حکومتی با فقه حکومت هم مساوق نیست.

نگاه کلان مقام معظم رهبری به فقه، فقه حکومتی است، نه فقه سیاسی یا فقه حکومت. ایشان دایره موضوعات فقهی را شامل همه باب‌های فقهی می‌دانند و قائل‌اند مجتهدان می‌باید با توجه به حاکمیت سیاسی اسلام در همه ابعاد زندگی افراد جامعه، پاسخ به نیازهای حکومت اسلامی را استنباط کنند. در این صورت است که نوع فتاوی آن‌ها تحت تأثیر این نگرش قرار می‌گیرد: فقه ما، از طهارت تا دیات، باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد. شما حتی در باب طهارت هم که راجع به ماء مطلق یا فرضاً ماء الحمام فکر می‌کنید، باید توجه داشته باشید که این در یک جا از اداره زندگی این جامعه تأثیری خواهد داشت تا برسد به ابواب معاملات و ابواب احکام عامه و احوال شخصی و بقیه ابوابی که وجود دارد. باید همه این‌ها را به عنوان جزئی از مجموعه اداره یک کشور استنباط کنیم. این در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

در اندیشه ایشان، نگاه حکومتی و اجتماعی به فقه در ریزترین مسائل فقهی، همچون «ماء الحمام»، نیز جریان دارد و این نوع نگاه در روند استنباط و اجتهاد، در مسائلی از این دست، اثرگذار است (همان).

مقام معظم رهبری دلیل عدم رویکرد به فقه حکومتی در بین فقهای گذشته را نداشتن حکومت برای شیعه می‌دانند و لذا آن بزرگواران با رویکرد فقه حکومتی به فقه نپرداختند. از این رو، در این زمینه قائل‌اند که در میان کتب فقهی شیعه، چند قرن است که جای بسیاری از مباحثی که مربوط به اداره کشور است، مثل مسئله حکومت و چیزهایی که ارتباط پیدا می‌کند به کارهای جمعی و داشتن قدرت سیاسی، خالی است و در اغلب کتب فقهی استدلالی به آن‌ها توجه نشده است. امام بزرگوار فقه شیعه اسلام را از دورانی که خود این

بزرگوار در تبعید بودند کشاندند به سمت فقه اجتماعی، فقه حکومتی، فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخ‌گوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد (همان، ۱۳۷۶/۳/۱۴).

بنابراین، مقصود از فقه حکومتی استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی و به عبارت دیگر ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی است و لذا با فقه سیاسی و فقه حکومت متمایز است. مقام معظم رهبری، به عنوان یکی از اندیشمندان این حوزه، ضمن تبیین چیستی و چگونگی و ضرورت این پارادایم و همچنین اثبات امکان به وجود آمدن آن، به ضرورت و راهکارهای ایجاد آن و نیز خط‌مشی‌گذار از پارادایم‌های گذشته پرداخته و پارادایم فقه حکومتی را ترسیم کرده‌اند (مشکانی و مشکانی، ۱۳۹۰: ۷۳). پس، از منظر ایشان، پرداختن به فقه اجتماعی و حکومتی در این زمان به عنوان یکی از ابزارهای مهم تحقق تمدن نوین اسلامی امری ضروری است. از این رو، با لحاظ مطالب پیش گفته، مسئله تحقیق بررسی مؤلفه‌های غیرساختاری فقه حکومتی در تمدن‌سازی اسلامی با لحاظ منظومه فکری مقام معظم رهبری است.

۳. روش پژوهش

روش‌های گردآوری داده‌های این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی است. براین اساس، تمام مجموعه مکتوبات، منشورات، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه بررسی و جست‌وجو می‌شود. در این پژوهش، از روش مفهوم‌شناسی و روش تفسیر متن به متن به عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است (برای تبیین بیشتر ر. ک. مرتضوی شاهرودی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۵). در این پژوهش، مفهوم‌شناسی عبارت است از شناخت مفاهیم استفاده‌شده در آثار علمی مقام معظم رهبری و پیدا کردن یک زمینه ذهنی درباره مسئله مطرح‌شده و روش تفسیر متن به متن به این معناست که برای شناخت مفاهیم، پیش از مراجعه به سایر منابع، از تفسیر متن به متن برای تبیین مباحث موجود استفاده شد. پس از تبیین مفاهیم موضوع در آثار علمی ایشان، در صورت لزوم، به بررسی و تطبیق این یافته‌ها با

مفاهیم متناظر در متون و منابع دینی، گفتمان انقلاب اسلامی، قول بزرگان یا تحلیل ها و تبیین های پژوهشگران از آثار ایشان نیز پرداخته شد.

۴. چهارچوب نظری پژوهش

تحلیل سیستمی شناسایی مؤلفه ها و عوامل مختلف یک مجموعه و سیستم و دستیابی به نحوه عملکرد عوامل شکل دهنده مجموعه و سیستم و بررسی ارتباط اجزای مجموعه برای دست یافتن به ملاکاتی جهت تحقق مطلوب تر یک مجموعه است (برای تبیین بیشتر ر. ک. فیرحی، ۱۳۸۲). محقق در این پژوهش همانند برخی محققان در بهره گرفتن از روش تحلیل سیستمی به عنوان چهارچوب نظری (لک زایی، ۱۳۸۹ الف: ۸۰) بر آن است که مؤلفه های غیرساختاری فقه حکومتی در تحقق تمدن اسلامی (تمدن سازی اسلامی) را به عنوان مجموعه ای که از اجزا و مؤلفه های مختلف تشکیل شده است تحلیل کند. از این رو، در این پژوهش شرایط علی، شرایط زمینه ای و راهبردهای استفاده از ظرفیت ها و مؤلفه های غیرساختاری فقه حکومتی در فرایند تمدن سازی بررسی می شود و سپس پیامدهای استفاده از ظرفیت های غیرساختاری فقه حکومتی در امر تمدن سازی تبیین می شود.

۵. یافته های پژوهش

۵-۱. شرایط علی استفاده از ظرفیت های فقه حکومتی در فرایند تمدن سازی

شرایط علی،^۱ مقوله هایی مربوط به شرایطی اثرگذار بر مقوله محوری می باشند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴). به عبارت دیگر، منظور از شرایط علی عوامل و شرایطی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در بروز یک پدیده یا رویداد خاص نقش دارند و باعث ایجاد، شکل گیری

۱. به عبارت دیگر، شرایط علی به مجموعه ای از عوامل و شرایطی گفته می شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در بروز پدیده یا رویداد خاصی نقش دارند و باعث ایجاد، شکل گیری یا تغییر آن می شوند. این شرایط اغلب شامل عواملی اند که علت ها و دلایل پشت یک پدیده را توضیح می دهند و به پژوهشگر کمک می کنند بهتر بفهمد چرا و چگونه یک اتفاق رخ می دهد. به عنوان مثال، در تحقیقی که به بررسی نرخ اعتیاد در یک منطقه خاص می پردازد، شرایط اجتماعی مانند بیکاری، فقر و نقص سیستم های حمایتی به عنوان شرایط علی شناخته می شوند. بنابراین، «تحقق رویکرد منظومه ای به فقه» می تواند از شرایط علی استفاده از ظرفیت های فقه حکومتی در فرایند تمدن سازی قلمداد شود.

یا تغییر آن می‌شوند. این شرایط اغلب شامل عواملی اند که علت‌ها و دلایل پشت یک پدیده را توضیح می‌دهند و به پژوهشگر کمک می‌کنند تا بهتر بفهمد چرا و چگونه یک اتفاق محقق می‌شود. شرایط علّی استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی عبارت‌اند از:

۵-۱-۱. تحقق رویکرد منظومه‌ای به فقه

از شرایط علّی استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی این است که مجتهد رویکرد منظومه‌ای به فقه داشته باشد و از نگاه جزیره‌ای بدون ارتباط هر حکم با اهداف اصلی شارع بپرهیزد. بی‌شک، از اهم مقاصد شریعت تحقق تمدن اسلامی است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۱/۵)؛ زیرا نگاه جزیره‌ای و پراکنده به دین موجب بی‌توجهی به حکمت‌های کلی دین خواهد شد. از آنجاکه حکومت اسلامی نه فقط مشتمل بر مجموعه‌ای فراگیر از موضوعات مورد ابتلا برای اداره جامعه است، بلکه این موضوعات و مسائل که اداره هدفمند و منسجم اداره سیاسی را مد نظر قرار می‌دهد، می‌باید در نظامی منطقی و به صورت منسجم در کنار هم در قالب اجزای نظام واحد لحاظ شوند، به گونه‌ای که حکم بخشی از جامعه با بخش دیگر آن در تنافی نباشد و از اجتماع دو گونه حکم در بخش‌های مختلف جامعه اشکالی ایجاد نشود (ایزدهی، ۱۳۹۶: ۱۹-۲۲)، رویکرد اتمیستی در فهم نصوص دینی در اجتهاد نظامی فقهی به بار می‌آورد که احکامی اجرانشدنی دارد، ملاک‌مندی احکام را به تعارفی تجملی فرومی‌کاهد، ربط روشنی با مقاصد شریعت ندارد، به نصوص مراجعه گزینشی می‌کند و بسیاری از نصوص دینی را وامی‌نهد. در مقابل، رویکرد زمینه‌گرا به نصوص منظومه‌ای فقهی به بار می‌آورد که هیچ حکم اجرانشدنی‌ای ندارد، ملاک‌محور است، تحقق مقاصد شریعت را هدف می‌گیرد، همه آموزه‌های دین را در مقام استنباط در نظر می‌گیرد، بحران‌های جاری در فقه را حل می‌کند و ادامه مشی اصولی در مقابل مشی اخباری است (واله، ۱۳۹۰: ۷۵). در منظومه فکری مقام معظم رهبری، رویکردشان به فقه منظومه‌ای و نظام‌وار است؛ زیرا از منظر ایشان، فقه مطلوب فقه اجتماعی و فقه حکومتی است که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخ‌گوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۳/۱۴).

۵-۱-۲. مراعات مصلحت، زمان و مکان در فرایند استنباط

از دیگر شرایط علی استفاده از ظرفیت های فقه حکومتی در فرایند تمدن سازی مراعات مصلحت، زمان و مکان در فرایند استنباط است؛ زیرا فرایند تمدن سازی اسلامی با استفاده از تمام ظرفیت های فقه با توجه به مصالح جامعه اسلامی در زمان و شرایط خاص به وجود می آید (وحیدی منش، ۱۳۸۶: ۲۸). از آنجاکه اسلام پاسخ گوی همه احتیاجات انسان است، شکل پاسخ گویی به نیازهای انسان در زمان های مختلف فرق می کند که این با دخالت زمان و مکان در اجتهاد قابل تحقق است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹۰).

زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. اگر اسلام طرف دار ثبات و جمود و یکنواختی می بود، باید جامعه را در همان حد اول جامعه عرب نگاه بدارد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۱: ۵۵). به ظاهر همان مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد يك نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۸۹). براین اساس، فقه حکومتی به دلیل اقتضائات برای اداره مطلوب جامعه ای کلان می باید ضمن عنایت به ثبوتات فقه، انعطاف لازم برای تدبیر مناسب در مواقع لزوم و برای برون رفت از بحران ها و معضلات را در نظر بگیرد (ایزدهی، ۱۳۹۹: ۲۲). در منظومه فکری مقام معظم رهبری، شناختن نقش هر زمان و هر مکان همواره باید با پایبندی به اصول فقاهاست، که روشی علمی و تخصصی است، همراه باشد (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۷۴/۱۲/۲۴) تا فرایند تمدن سازی تسهیل شود.

۵-۱-۳. رعایت غایات شارع در متن جامعه در استنباط احکام

از شرایط علی استفاده از ظرفیت های فقه حکومتی در فرایند تمدن سازی، رعایت غایات شارع در متن جامعه در استنباط احکام است. بی شک، توجه به غایات شارع در استنباط فقهی یکی از مؤلفه های تمدن سازی محسوب می شود (محمدیان و کشاورزی ولدانی، ۱۴۰۲: ۳۱)؛ زیرا کار مهم انبیاء علیهم السلام این بود که بشر را با هدف های عالی آشنا کردند (مطهری،

بی‌تا، ج ۱۰: ۱۵۰). براین اساس، لازم است مجتهدان در استنباط احکام مقاصد کلی را که شارع از احکام در نظر دارد لحاظ کنند. مراد از مقاصد احکام مقاصدی است که شریعت در تمام ابواب فقه آن‌ها را در نظر گرفته و در پی تحقق آن‌هاست. از این دسته می‌توان به مواردی مانند آباد کردن زمین، حفظ نظام همزیستی، استمرار صلح، عدالت و ترویج درستی و دستیابی به خوبی‌ها اشاره کرد. این عناوین اکثراً در کتاب‌های مقاصد الشریعه آمده است (ایازی، ۱۳۸۹: ۳۳۸). مثلاً در رویکرد فردی، مصرف آب برای غسل سقف محدودی ندارد و استفاده از حجم زیاد از آب ضرری به غسل نمی‌زند، اما هرگاه این مصرف بی‌رویه (در سطح کلان) امنیت آبی جامعه را تهدید کند، طبیعتاً صحت این غسل محل تأمل قرار خواهد گرفت (ایزدهی، ۱۳۹۹: ۲۲). در این زمینه، مقام معظم رهبری معتقدند بر مؤمنان گرامی لازم است برای حل مسائل و مشکلات جامعه اسلامی اهتمام اکید ورزند و از رفتارهایی که موجب زحمت و کمبود برای دیگران می‌شود پرهیزند و توجه داشته باشند که اسراف و زیاده‌روی حرام است. پس، ایشان بر مراقبت، پرهیز از اسراف، احساس مسئولیت و عدم تضییع مال، هدر دادن منابع عمومی، هدر دادن آب، هدر دادن نان و از بین بردن خاک تأکید دارند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹).

۲-۵. ایجاد و سازمان‌دهی گروه‌های تبیین‌کننده فقه حکومتی شرط زمینه‌ای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی

شرایط زمینه‌ای شرایط خاصی‌اند که بر راهبردها اثر می‌گذارند^۱ (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴). ایجاد و سازمان‌دهی گروه‌های تبیین‌کننده فقه حکومتی شرط زمینه‌ای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی محسوب می‌شود؛ زیرا تا افراد و گروه‌های تبیین‌کننده فقه حکومتی ایجاد و سازمان‌دهی نشوند، تمدن‌سازی اسلامی محقق نخواهد شد. مقام معظم رهبری در این زمینه به لزوم وجود گروه‌های تبیین‌کننده فقه حکومتی

۱. به عبارت دیگر، شرایط زمینه‌ای به محیط و بسترهایی اشاره دارد که پدیده در آن شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، شرایط زمینه‌ای عواملی مانند فرهنگ و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را در برمی‌گیرند که بر رفتارها و کنش‌های پدیده‌ای اثر می‌گذارند.

معتقدند؛ زیرا امروزه در باب اداره کشور مسائلی وجود دارد که مشکلات و معضلات دینی و فقهی حکومت اسلامی محسوب می شود، درحالی که نهاد یا دستگاهی مسئول پاسخ به این مسائل نیست. پس، باید دستگاهی آماده باشد و تمام مشکلات و معضلات نظام را پیش بینی کند؛ برای تبیین آن ها فکر کند، راه حل بدهد و برای آن پاسخ آماده کند (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۷۰/۶/۳۱). به طور کلی، اگر جامعه اسلامی را همانند یک هرم در نظر بگیریم، از منطری می توانیم از رأس تا قاعده هرم را به سه بخش تقسیم کنیم: امام جامعه، مردم، خواص خواص. شأن امام هدایتگری و نظارت است، شأن مردم تصمیم گیری و سرنوشت سازی است و شأن خواص خواص انتقال دهنگی و تبیینگری است (خدادی و منیری حمزه کلایی، ۱۳۹۸: ۱۷۷). درواقع، اگر قرار است کار ولی درست در بین مردم پیگیری و محقق شود و جامعه اسلامی دقیقاً براساس شاخص های امام جامعه حرکت کند، باید مجموعه ای با نصاب کمی از نیروهای واسط، خواص و کیفی وجود داشته باشند و بتوانند انتقال دهنده، کمک کننده، هدایت کننده و مدیریت کننده منویات امام جامعه باشند (خانی، ۱۳۹۵: ۷۳). پس، این افراد جمعی از نیروهای مؤمن انقلابی، خواص و نخبگان جامعه اسلامی اند که طی مراحل، در آنان تحول معرفتی و معنوی و فقهی ایجاد خواهد شد (آیت الله خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۴/۴/۶). خود این افراد، که انتقال دهنده، کمک کننده، هدایت کننده و مدیریت کننده منویات امام جامعه اند، لایه هایی دارند که عبارت اند از:

- ایده پردازان: یک نوع از کارهای گروه های تبیین کننده فقه حکومتی ایده پردازی است که ایده پردازان که ایده و آرمان عالی دارند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۸: ۷۵۱) و تقریباً کارشان نزدیک به کار امام جامعه است انجام می دهند، مثل عالمی که پس از صحبت امام جامعه براساس تکلیف انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی دست به تبیین می زند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۵۰۱). از منظر امام خمینی علیه السلام، ایده پردازی کار عالم است؛ چراکه آن ها نقش مهم و مسئولیت بزرگی دارند و لذا ایده پردازی کار سطوح پایین نیست (همان، ج ۱۵: ۳۳۳). بنابراین، ویژگی افرادی که مدیریت کلان راهبری انجام می دهند این است که کلان نگرند و به اهداف نگاه می کنند و نیاز به تشکل، امور اداری و کارهای دبیرخانه ای

ندارند. البته این افراد بسیار باهم هماهنگ‌اند. بنابراین، ایده‌پرداز، طراح، راهبردنویس و امثال این‌ها هستند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۲/۲۵). این افراد همان لایه‌ای‌اند که متصل به امام و رهبری است و خطوط اصلی را طراحی می‌کنند، کاری که انجام می‌دهند تصمیم‌سازی برای رهبری است و در ادامه، تصمیمات رهبری را تبدیل به خطوطی می‌کنند تا عملیاتی شود؛

- افراد برنامه‌محور: یکی دیگر از لایه‌های گروه‌های تبیین‌کننده فقه حکومتی پیش‌تازان‌اند که رتبه آن‌ها پس از ایده‌پردازان است. این افراد برنامه‌محورند. البته می‌توانند بازوهایی داشته باشند. آن‌ها، براساس نگاه فقهی کلان ایده‌پردازان، برنامه‌های کلان را طراحی می‌کنند و در راستای تبیین فقه حکومتی، هماهنگی‌شان هماهنگی تشکیلی و در حد متوسط است. در این راستا، مقام معظم رهبری معتقدند مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) و تحت نظر ایده‌پردازان برنامه کلان فقهی را به ملازمان ابلاغ کنند؛

- ملازمان: سومین بخش از گروه‌های تبیین‌کننده فقه حکومتی ملازمان‌اند که بدنه و قسمت اصلی این گروه‌اند. پس، در این بخش باید سرمایه‌گذاری و نیرو تربیت شود. در این افراد، تحول‌گفتمانی لازم در حوزه فقه حکومتی باید اتفاق بیفتد. آن‌ها کنشگران علمی‌اند و براساس وظایف محوله کار می‌کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۳/۱). آن‌ها براساس چشم‌انداز نظام اسلامی در یک حرکت عمومی و با محوریت جوان متعهد به پیش می‌روند (همان، ۱۳۹۸/۳/۱).

۳-۵. تبدیل احکام فقهی به قوانین الزام‌آور: راهبرد استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی

راهبردها کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی است که از پدیده محوری منتج می‌شود (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴). شرط تسهیل فرایند شهروندی در استنباط احکام (کارآمدی)، تبدیل احکام فقهی به قوانین الزام‌آور و تدوین قانون و برنامه‌ریزی برای تقویت

حوزه و دانشگاه در مسیر فقه حکومتی از راهبردهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی محسوب می‌شود.

یکی از راهبردهای بهره‌گرفتن از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی تبدیل احکام فقهی به قوانین الزام‌آور است؛ به این معنا که حکومت بتواند در راستای اداره امور جامعه احکام فقهی صادره را به قوانین الزام‌آور برای همه شهروندان تبدیل کند؛ زیرا تبدیل احکام فقه و التزام به قانون از ضرورت‌های تحقق حکومت است (لک‌زایی، ۱۳۸۹ ب: ۱۳۱). اصولاً هر حقی آن‌گاه الزام‌آور می‌شود که دیگری هم وظیفه خود را درباره حقوقی که بر عهده دارد انجام دهد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶: ۴۳۳). در این صورت است که فقه حکومتی معنا پیدا می‌کند. البته لازمه این امر ارتباط گروه‌های سه‌گانه تبیین‌کننده فقه حکومتی (ایده‌پردازان، افراد برنامه‌محور و ملازمان) با حکومت است.

در راستای ضرورت تبدیل احکام فقهی به قوانین الزام‌آور، مقام معظم رهبری معتقدند حکومت اسلامی اگر بخواهد آنچه را که باید عمل بشود در یک جمله خلاصه کند، آن یک جمله عبارت از فقه اسلامی است که باید به صورت الزام‌آور در جامعه اجرا شود (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

۴-۵. پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در امر تمدن‌سازی

پیامدها خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردهاست (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴). در صورت استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در امر تمدن‌سازی، پیامدهای مثبتی مترتب می‌شود:

۴-۵-۱. برآورده کردن نیازهای جامعه

یکی از پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در امر تمدن‌سازی برآورده کردن نیازهای جامعه است. باتوجه به اینکه اصل نیازهای بشر ثابت و فروع و چگونگی برآورده کردن آن نیازها متغیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۸۲) و اینکه در میان مکتب‌ها و مسلک‌ها و آیین‌ها و دین‌ها تنها اسلام است که به نیازهای انسان پاسخ صحیح می‌دهد (مطهری، بی‌تا، ج ۱۰: ۲۰۷)، حکومت می‌تواند با کمک گرفتن از ظرفیت‌های فقه نیازهای

جامعه را در همه زمان‌ها پوشش دهد. در این صورت، تمدن‌سازی به صورت اتوماتیک محقق می‌شود؛ زیرا از اهم مؤلفه‌های تمدن‌سازی پاسخ به نیازهای اصلی انسان است؛ زیرا در همه زمان‌ها نیازهای اصلی انسان ثابت و تغییرناپذیر است؛ چون این نیازها جزء فطریات انسان است و امور فطری در همه ازمه طبیعی و ثابت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۸۲).

مقام معظم رهبری در این زمینه معتقدند همه مسئولان حکومتی موظف‌اند در حد توان خود با اجرای احکام اسلامی، که در راستای برآورده کردن نیازهای جامعه است، در مسیر تحقق تمدن‌سازی اسلامی گام بردارند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸).

۲-۴-۵. تحقق عملی جامعیت دین

از دیگر پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در امر تمدن‌سازی اجرای عملی (نه صرفاً مرحله باور) احکام فقهی در اداره زندگی کلان جامعه است؛ چراکه تفقه در دین که مورد عنایت اسلام است شامل همه شئون اسلامی است، اعم از آنچه مربوط است به اصول اعتقادات اسلامی و جهان‌بینی اسلامی یا اخلاقیات و تربیت اسلامی یا اجتماعات اسلامی یا عبادات اسلامی یا مقررات مدنی اسلامی یا آداب خاص اسلامی در زندگی فردی یا اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۰: ۲۶). براساس این تفسیر، فقه از نیازهای ضروری جامعه اسلامی و از شاخه‌های ظریف و پربار معرفت به‌شمار می‌رود، و عنصری جدانشدنی از اسلام است (جناتی، ۱۳۷۴: ۱۶). مقام معظم رهبری در این زمینه معتقدند تحولی که در انقلاب اسلامی و با هدایت امام راحل علیه السلام در فقه به وجود آمد به این صورت بود که وظیفه، مسئولیت و رسالت فقه محدود به مسائل شخصی و عبادی، احوال شخصی، مسئله نماز و روزه، وظایف مالی، ازدواج و طلاق نیست، بلکه تحقق عملی جامعیت دین در نظام‌سازی، تمدن‌سازی، جامعه‌سازی و انسان‌سازی و مانند این موارد است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

۳-۴-۵. بهره گرفتن از همه ابواب فقه

از دیگر پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در امر تمدن‌سازی بهره‌برداری از

همه باب‌های فقهی است، بدین صورت که صرفاً مباحث معینی از فقه با موضوعات محدودی مد نظر مجتهدان نیست، بلکه دایره مباحث فقهی همه مباحث فقهی در اداره کشور اسلامی است. از این رو، می‌توان گفت امروزه از امتیازات بزرگ و شاخصه مهم فقه اهل بیت (ع) در مقابل فقه عامه دستاورد بزرگ نگرش انفتاحی به موضوع اجتهاد هم از نظر گستره مباحث و مسائل فقهی متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و هم از بعد ژرف نگری و عمق‌بخشی است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۲)؛ چراکه هیچ علمی مانند فقه مسائل مختلف الماهیه‌ای را دربرنگرفته است (مطهری ۱۳۷۲، ج ۲۰: ۱۱۹). پس، این حرکت نوبه‌نو اجتهادی اساس تحول است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۹/۲۷). مقام معظم رهبری بهره‌گرفتن از همه ابواب فقه را از امور مرتبط به تمدن‌سازی می‌دانند. ایشان در این زمینه قائل‌اند که در انقلاب اسلامی در فقه تحول‌شگرفی به وجود آمد؛ زیرا وظیفه، مسئولیت و رسالت فقه محدود به مسائل شخصی و عبادی معرفی نشد، بلکه با راهنمایی‌های امام خمینی (ع) بهره‌گرفتن از همه ابواب فقه در تمدن‌سازی و نظام‌سازی و موارد شبیه آن معرفی شد (همان، ۱۳۹۹/۳/۱۴).

۴-۴-۵. تسهیل فرایند شهروندی در استنباط احکام (کارآمدی)

از دیگر پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در امر تمدن‌سازی تسهیل فرایند شهروندی در استنباط احکام شرعی است. با لحاظ تعریف تمدن‌سازی اسلامی، که بیانگر ساخت همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را در سطح کلان پوشش می‌دهد، بی‌شک تسهیل فرایند شهروندی در استنباط احکام از پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در امر تمدن‌سازی محسوب می‌شود؛ یعنی اگر در استنباط احکام، کارآمدی و اعتلای کل جامعه مطمح نظر فقها قرار گیرد، می‌توان از آن برای بهره‌گرفتن از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی استفاده کرد؛ به این معنا که در استنباط احکام فقهی، می‌باید حکم صادره باتوجه به تأثیرش در جامعه باشد؛ یعنی صدور حکم می‌باید فرایند شهروندی را تسهیل کند. بی‌شک، تمدن‌سازی در صورتی تقویت می‌شود که شهروندان بتوانند با تسهیل فرایند شهروندی

به‌وسیله احکام صادره از فقها، که منجر به رفع مشکلات می‌شود، زندگی خوبی داشته باشند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۱: ۵۵). ازاین‌رو، اگر احکام صادره صرفاً متکی به بحث‌های طلبگی مدارس باشد که در چهارچوب تنوری‌هاست و مصلحت مردم و تسهیل زندگی شهروندی را لحاظ نکند، نه تنها راه گشا نخواهد بود، بلکه حکومت اسلامی را به بن‌بست‌هایی می‌کشاند که به نقض ظاهری قانون اساسی می‌انجامد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۱۸)؛ زیرا احکام باید بر اساس حفظ نظام و ملاحظه زندگی مردم باشد؛ چراکه رعایت مصلحت عموم جامعه ضروری است (سیفی، ۱۴۲۵، ق، ج ۱: ۱۳).^۱ در منظومه فکری مقام معظم رهبری، معیار شناخت حق و باطل در سیاست‌های کلی و امور عمومی جامعه، غیر از قرآن و حدیث و کلمات اولیا و بزرگان، خواست و منافع و جهت‌گیری مصلحت مردم است؛ یعنی هر کار و حرکتی که در جهت مصلحت و خواست مردم مسلمان و آگاه بود حق است. در سیاست‌های جهانی، این معیار است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۷/۱۲).

نتیجه‌گیری

تمدن‌سازی اسلامی از اهداف عالیه‌ای است که همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری است؛ زیرا از منظر ایشان، شریعت اسلام به تحول دنیا و توسعه و تمدن توجه ویژه‌ای دارد. در اندیشه ایشان، مؤلفه‌های تمدن‌ساز اسلامی در دو دسته کلی قابل تقسیم‌بندی است که عبارت‌اند از مؤلفه‌های ساختاری (اهداف مقدماتی و متوسط انقلاب یعنی نظام‌سازی اسلامی، دولت‌سازی اسلامی و جامعه‌سازی اسلامی مؤلفه‌های ساختارساز برای تمدن‌سازی اسلامی است) و مؤلفه‌های غیرساختاری (عوامل انسانی و نرمی‌اند که در راستای تحقق تمدن اسلامی می‌توانند مؤثر باشند). ازاین‌رو، مسئله بررسی مؤلفه‌های ساختاری و غیرساختاری تمدن‌سازی اسلامی که مقام معظم رهبری بدان تأکید کرده‌اند ضروری است. اما به نظر می‌رسد در اندیشه ایشان بهره گرفتن از مؤلفه‌های غیرساختاری

۱. یشرط فی جریان هذه القاعدة من إحراز توقف حفظ نظام نوع الناس وغالبهم علی فعل ما یستدل له بهذه القاعدة، واختلاله بترکه أو بالعکس، والّا فما لم یحرز ذلك لا تجری هذه القاعدة؛ حیث لا یتحقق موضوع حکم العقل (سیفی، ۱۴۲۵، ق، ج ۱: ۱۳).

فقه حکومتی (که با فقه سیاسی و فقه حکومت مساوق نیست) در فرایند تمدن‌سازی اسلامی جایگاه ویژه‌ای را دارد. از این رو، برای دستیابی به آرمان بلند ایجاد تمدن‌سازی اسلامی، باید نقش فقه حکومتی مبتنی بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (ره) در فرایند تمدن‌سازی اسلامی را به درستی شناخت و مسیر را براساس آن تعیین کرد؛ زیرا ایشان دارای یک منظومه فکری و مهندسی کلان‌اند که نهایتاً این فرایند به تحقق تمدن نوین اسلامی ختم می‌شود.

باتوجه به اینکه نگاه کلان مقام معظم رهبری به فقه، فقه حکومتی است، نه فقه سیاسی یا فقه حکومت، مؤلفه‌های غیرساختاری فقه حکومتی در تحقق تمدن اسلامی (تمدن‌سازی اسلامی) به عنوان یک مجموعه از اجزا و مؤلفه‌های مختلف تشکیل شده است:

شرایط علی استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی عبارت‌اند از: تحقق رویکرد منظومه‌ای به فقه؛ مراعات مصلحت، زمان و مکان در فرایند استنباط و رعایت غایات شارع در متن جامعه در استنباط احکام.

شرایط زمینه‌ای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی عبارت‌اند از: ایجاد و سازمان‌دهی افراد و گروه‌های تحقق‌بخش فقه حکومتی که از ایده‌پردازان، افراد برنامه‌محور و ملازمان تشکیل شده است.

راهبردهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در فرایند تمدن‌سازی عبارت‌اند از: تسهیل فرایند شهروندی در استنباط احکام (کارآمدی) و تبدیل احکام فقهی به قوانین الزام‌آور.

پیامدهای استفاده از ظرفیت‌های فقه حکومتی در امر تمدن‌سازی عبارت‌اند از: برآورده کردن نیازهای جامعه، تحقق عملی جامعیت دین، بهره‌گرفتن از همه ابواب فقه و تعمیم جغرافیای مخاطبان.

کتابنامه

ایازی، محمدعلی (۱۳۸۹). ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۴). ماهیت فقه سیاسی، حقوق اسلامی، ۱۲ (۴۴)، ۱۵۳-۱۷۷.

ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۶). قلمرو فقه سیاسی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای. حکومت اسلامی، ۸۴ (۲)، ۵-۲۶.

ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۹۹). ماهیت و ویژگی‌های فقه حکومتی. حکومت اسلامی، ۱ (۹۵)، ۵-۲۶.

بیانات و پیام‌های آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.

پیروزمند، علیرضا، و خورشیدی، محمد (۱۳۹۸). مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی (با رویکرد آینده پژوهی). مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۳ (۱)، ۳۲۹-۳۵۹. Doi: 10.22070/nic.2019.913

جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۴). ادوار فقه، تهران، کیهان.

جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۳). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران، نشر معارف.

خانی، مهدی (۱۳۹۵). طراحی و تدوین نقشه راه دولت اسلامی. قم، بنیاد فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خدادی، حسن، و منیری حمزه کلایی، حمیدرضا (۱۳۹۸). الگوی جستاری تشکیل دولت اسلامی با تأکید بر امت دولت‌ساز. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۷ (۱۶)، ۱۵۶-۱۸۳.

Dor: 20.1001.1.23455705.1398.7.16.5.8

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶). منظومه فکری حضرت آیت‌العظمی خامنه‌ای (نظام بینشی، کنشی و منشی). تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

دانایی فرد، حسن، و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت راهبردی، ۱ (۲)، ۶۹-۹۸.

ذوالفقاری، محمد، و سیدیان، سیدمهدی (۱۳۹۱). فقه حکومتی؛ چیستی، چرایی، چگونگی. معرفت سیاسی، ۱۴ (۱)، ۴۹-۶۷.

سیفی، علی اکبر (۱۴۲۵ ق). مبانی الفقه‌الفعال فی القواعد الفقهية الأساسية. قم، دفتر انتشارات اسلامی.

فیرحی، داود (۱۳۸۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران، سمت.

لک‌زایی، نجف (۱۳۸۹ الف). روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی (ع). رهیافت‌های سیاسی، ۱ (۲۳)، ۷۷-۹۹.

لک‌زایی، نجف (۱۳۸۹ ب). مسائل فقه سیاسی. دانش سیاسی، ۶ (۱)، ۱۲۷-۱۴۹.

محمدیان، علی، و کشاورزی ولدانی، مرتضی (۱۴۰۲). تحلیل مؤلفه‌ها و مصادیق فقه تمدن‌ساز در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۶ (۱)، ۲۵-۵۸.

Doi: 10.22070/nic.2023.17763.1246

- مرتضوی شاهرودی، سید محمود، ساجدی، ابوالفضل، و مصباح، علی (۱۳۹۷). بررسی و نقد مبانی هرمنوتیکی پل ریکور. کلام اسلامی، ۲۷ (۱۰۵)، ۵۰-۱۱۵.
- مشکانی، عباسعلی، و مشکانی، عبدالحسین (۱۳۹۰). پارادایم فقه حکومتی، با محوریت دیدگاه‌های آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. معرفت، ۱ (۹)، ۵۳-۷۵.
- مشکانی، عباسعلی، و مشکانی، عبدالحسین (۱۳۹۲). فقه حکومتی، نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱ (۳۲)، ۹۷-۱۱۸.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم، صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). یادداشت‌های استاد مطهری، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). دایرة المعارف فقه مقارن. قم، مدرسة الإمام علی بن أبی طالب (ع).
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مهریزی، مهدی (۱۳۷۶). فقه حکومتی. نقد و نظر، ۳ (۱۲)، ۱۴۱-۱۶۵.
- میرمحمدی، سیدجمال‌الدین (۱۳۹۹). نقش فقه در تمدن اسلامی. تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، ۱ (۶)، ۱۳۶-۱۵۲. Dor: dor 20.1001.1.26764830.1399.2.6.7.4
- واله، حسین (۱۳۹۰). زمینه‌گرایی در فقه. نقد و نظر، ۱ (۲)، ۷۵-۱۰۶.
- وحیدی منش، حمزه‌علی (۱۳۸۶). عناصر تمدن‌ساز دین اسلام. معرفت، ۱ (۱۲۳)، ۱۵-۳۴.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). قم، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- یداللهی فارسی، جهانگیر، زالی، محمدرضا، و باقری فرد، سیدمرتضی (۱۳۹۰). شناسایی عوامل ساختاری مؤثر بر توسعه کارآفرینی دانشگاهی (مطالعه موردی دانشگاه جامع علمی-کاربردی). سیاست علم و فناوری، ۴ (۳)، ۱۷-۳۳.